

# ساخت دستوری زبان فارسی

توصیف ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی

دکتر محمد پاک نهاد

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان



انتشارات آوای نور

تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه	: پاک‌نهاد، محمد، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ساخت دستوری زبان فارسی : توصیف ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی / محمد پاک‌نهاد.
مشخصات نشر	: تهران : آوای نور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۵۸۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۳۵۴-۶
وضعیت فهرست نویسی	: قیبا
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. -- زبان -- دستور
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰۷ - ۱۲۷۳ -- Language-- Grammar
موضوع	: مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	: Mowlavi, Jalaloddin Mohammad ibn Mohammad, ۱۲۰۷ - ۱۲۷۳ . Masnavi-- Criticism and Interpretation
موضوع	: فارسی -- دستور
موضوع	: Persian language -- Grammar
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۲س۲/۵۳۰۱PIR
رده بندی دیویی	: ۳۱/۱۵۸
سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران	: ۸۰۵۱۱۷

# اسم الحکم



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهید وحید نظری،  
پلاک ۹۹، طبقه دوم تلفن: ۶ و ۶۶۹۶۷۳۵۵ / نمابر: ۶۶۴۸۰۸۸۲

## ساخت دستوری زبان فارسی

### توصیف ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی

تالیف: دکتر محمد پاک نهاد

ناشر: انتشارات آوای نور

ویراستار: دکتر محمد پاک نهاد

صفحه آرا: منیرالسادات حسینی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۹-۳۵۴-۶

قیمت ۴۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



## تقدیم به:

همه استادان و معلمان و آموزگاران که علم و دانش خود را با نهایت اخلاص و پاکبازی به متعلمان

نثار می کنند

و

دلیرانی که تا پای جان و شهیدانی که با جان خویش از این سرزمین دفاع نموده اند

و

شیفتگان و خدمتگزاران به فرهنگ و ادب ایران زمین.



## فهرست مطالب

چکیده ..... ۱۱

پیشگفتار ..... ۱۳

مروری بر ادبیات موضوع ..... Error! Bookmark not defined.

۱: زبان و تعریف زبان ..... Error! Bookmark not defined.

۲: زبان شناسی ..... Error! Bookmark not defined.

۳: دستور زبان ..... Error! Bookmark not defined.

۴: ضرورت دستور زبان و گذری بر دستور نویسی و دستوره‌های توصیفی برای زبان فارسی

..... Error! Bookmark not defined.

۵: سبک، سبک‌شناسی و توصیف ساخت دستوری زبان در مثنوی ..... Error! Bookmark not defined.

فصل اول: فرایندهای واجی (دگرگونی واج‌ها و حروف) ..... Error! Bookmark not defined.

۱: درآمدی بر فرایندهای واجی (دگرگونی واج‌ها و حروف) ..... Error! Bookmark not defined.

۲: ابدال ..... Error! Bookmark not defined.

۳: حذف ..... Error! Bookmark not defined.

۴: تخفیف و سبک‌سازی ..... Error! Bookmark not defined.

۵: افزایش ..... Error! Bookmark not defined.

۶: قلب و نحت ..... Error! Bookmark not defined.

۷: ادغام ..... Error! Bookmark not defined.

۸: واحد زیر زنجیری درنگ ..... Error! Bookmark not defined.

فصل دوم: اسم و گروه اسمی ..... Error! Bookmark not defined.

۱: معرفه و نکره ..... Error! Bookmark not defined.

۲: شمار ..... Error! Bookmark not defined.

۳: اسم جنس ..... Error! Bookmark not defined.

۴: اسم خاص و اسم عام ..... Error! Bookmark not defined.

۵: نام‌های وصفی ..... Error! Bookmark not defined.

۶: اسم ذات ..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined.	۷: نام آوا
Error! Bookmark not defined.	۸: حاصل مصدر و اسم مصدر
Error! Bookmark not defined.	۹: اسم مصغر
Error! Bookmark not defined.	۱۰: نقش‌های اسم
Error! Bookmark not defined.	۱۱: الگوهای گروه‌های اسمی زنجیری در مثنوی
Error! Bookmark not defined.	۱۲: کنایات پرسشی و کاربرد نحوی آنها
Error! Bookmark not defined.	۱۳: اسم مبهم
Error! Bookmark not defined.	<b>فصل سوم: ضمائر (جانشین‌ها)</b>
Error! Bookmark not defined.	۱: ضمائر (جانشین‌ها)
Error! Bookmark not defined.	۲: ضمائر شخصی پیوسته (متصل)
Error! Bookmark not defined.	۳: ضمائر مشترک
Error! Bookmark not defined.	۴: ضمائر اشاره
Error! Bookmark not defined.	۵: ضمائر متقابل
Error! Bookmark not defined.	۶: ضمیر اختصاص (ملکی)
Error! Bookmark not defined.	<b>فصل چهارم: صفت و گروه وصفی</b>
Error! Bookmark not defined.	۱: نکته‌ها و کلیاتی درباره صفات بیانی
Error! Bookmark not defined.	۲: احکام وصف و شیوه کاربرد صفت
Error! Bookmark not defined.	۳: ساختمان صفت
Error! Bookmark not defined.	۴: مطابقت و عدم مطابقت صفت با موصوف
Error! Bookmark not defined.	۵: درجات صفت
Error! Bookmark not defined.	۶: صفت و گروه وصفی عددی
Error! Bookmark not defined.	۷: صفت و گروه وصفی مبهم
Error! Bookmark not defined.	۸: صفت پرسشی
Error! Bookmark not defined.	۹: صفت تعجبی
Error! Bookmark not defined.	۱۰: صفت اشاره و کلمات اشاره
Error! Bookmark not defined.	<b>فصل پنجم: فعل و گروه فعلی</b>
Error! Bookmark not defined.	۱: ساختمان افعال
Error! Bookmark not defined.	۲: جهت فعل (فعل‌های گذرا و ناگذر)



۳: افعال اسنادی (افعال ناقص لازم یا افعال گذرا به مسند)  
**Error! Bookmark not defined.**

۴: افعال پی بستنی  
**Error! Bookmark not defined.**

۵: فعل‌های مسند پذیر (فعل‌های ناقص متعدی یا گذرا به مفعول و مسند)  
**Error!**  
**Bookmark not defined.**

۶: معلوم و مجهول  
**Error! Bookmark not defined.**

۷: وجوه و زمان‌های افعال  
**Error! Bookmark not defined.**

۸: پیشوندها و پسوندهای صرفی فعل  
**Error! Bookmark not defined.**

فصل ششم: قید و گروه قیدی  
**Error! Bookmark not defined.**

۱: قید فعل  
**Error! Bookmark not defined.**

۲: قید جمله  
**Error! Bookmark not defined.**

۳: قیدهای اشاره‌ای  
**Error! Bookmark not defined.**

۴: تأکید قید یا قیدهای تأکیدی  
**Error! Bookmark not defined.**

۵: قید مختص و مشترک  
**Error! Bookmark not defined.**

فصل هفتم: حروف اضافه و ربط  
**Error! Bookmark not defined.**

۱: حروف اضافه و ربط  
**Error! Bookmark not defined.**

۲: حروف ربط (پیوند)  
**Error! Bookmark not defined.**

فصل هشتم: شبه جمله (اصوات)  
**Error! Bookmark not defined.**

۱: شبه جمله تنبیه و تحذیر  
**Error! Bookmark not defined.**

فصل نهم: جمله  
**Error! Bookmark not defined.**

۱: جمله با اجزای همجنس  
**Error! Bookmark not defined.**

۲: جمله‌های ناقص  
**Error! Bookmark not defined.**

۳: جمله‌های سه جزئی گذرا به مسند  
**Error! Bookmark not defined.**

۴: جمله‌های چهار جزئی  
**Error! Bookmark not defined.**

۵: الگوی صرفی و نحوی جمله‌های مرکب در مثنوی  
**Error! Bookmark not defined.**

۶: مطابقت نهاد و فعل  
**Error! Bookmark not defined.**

۷: وحدت «ساختاری-واژگانی» جمله‌های همسانی (پیوسته)، یکی از الگوهای نحوی  
موسیقی آفرین در مثنوی  
**Error! Bookmark not defined.**

۸: نقش‌های همگون و ناهمگون در کلمات مکرر  
**Error! Bookmark not defined.**

فصل دهم: الگوهای زبانی واژه‌سازی و ساخت اشتقاقی واژه... Error! Bookmark not defined.

۱: الگوهای زبانی واژه‌سازی در مثنوی و ابداعات هنری مولانا از ظرفیت این الگوها Error! Bookmark not defined.

۲: ساخت اشتقاقی واژه ..... Error! Bookmark not defined.

کتاب‌شناسی منابع..... Error! Bookmark not defined.



## چکیده

مولانا جلال الدین محمد بلخی، آفتاب فروزنده آسمان ادب فارسی و عرفان اسلامی است. ذهن و زبان و روان وی، عشق نامه‌ای آفرید که در میان آثار منظوم عرفانی، همچون گوهری تابان می‌تابد. بی تردید مثنوی مولانا به عنوان یک اثر عرفانی و ادبی در صدر قرار دارد و از گذشته تا به حال مورد توجه اهل ادب و عرفان قرار گرفته و تحقیقات گسترده‌ای در راستای آن انجام پذیرفته است. این استقبال بی نظیر، مرهون عظمت روح مولانا و به دنبال آن رفعت و جذابیت عمیق مثنوی است. در جست و جوی راز این جذابیت، زبان او کم ارج نیست. کشش‌ها و جوشش‌های روح بی پروا سبب شده تا در زبان وی روحی دیگر دمیده شود. مطالعه در ساخت دستوری زبان مثنوی گواه این حقیقت است. ساخت دستوری مثنوی دارای مختصات، برجستگی‌ها، خلاف عادت‌ها و منطق‌گریزی‌هایی می‌باشد که جز در نظام معنایی زبان آن، قابل بررسی نمی‌باشد.

این اثر، به «توصیف ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی» می‌پردازد. منظور از توصیف، تحقیق درباره یک زبان در یک مقطع زمانی معین و یافتن قواعد آن زبان بدون توجه به صورت و ساخت قدیمی آن می‌باشد. توصیف همزمانی زبان، آن را در برابر دستور تاریخی قرار می‌دهد که تغییرات و تحولات یک زبان را در دوره‌های گوناگون بررسی، گاه علل تغییر و تحول آن را نیز تحلیل می‌نماید. درباره هدف و ضرورت این پژوهش به طور خلاصه می‌توان گفت: تمامی متون کهنی که به زبان فارسی دری نگاشته شده اگر چه همه به زبان فارسی نگاشته شده‌اند ولی هر یک از آنها متعلق به یک گونه ویژه‌ای از این زبان است. این گونه ویژه، جدای از شناخت بیشتر از زبان فارسی در نشان دادن پیرنگ سبک هر شاعر یا نویسنده بی تأثیر نیست.

نوع این تحقیق، بنیادی کتابخانه‌ای و روش آن توصیفی موردی گذشته نگر می‌باشد. یافته‌های این تحقیق ده فصل را به خود اختصاص داده است. فصل اول، در هشت گفتار به فرایندهای واجی و دگرگونی حروف می‌پردازد. ابدال، حذف، تخفیف و سبک سازی، افزایش، قلب و نحت و ادغام از این دگرگونی هاست. در فصل دوم مباحث مختلف اسم و گروه اسمی در سیزده گفتار به طور مفصل مطرح شده است. فصل سوم به عنوان متمم بخش اسم، به ضمائر شخصی، مشترک، اشاره، متقابل و اختصاص و کاربردهای نحوی آنها می‌پردازد. فصل چهارم در ده گفتار، صفت و گروه

وصفی را از زوایای مختلف، بررسی و توصیف می‌نماید. در فصل پنجم به مباحث مختلف مربوط به فعل و گروه فعلی پرداخته شده است؛ جهت فعل، افعال پی‌بستی، معلوم و مجهول، وجوه و زمان افعال و... از مباحث عمده این بخش است. در فصل ششم قید و گروه قیدی با توجه به کاربرد، معنا و ساختمان قیود به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده‌اند. فصل‌های هفتم و هشتم به حروف اضافه و ربط و شبه جمله می‌پردازد. روش توصیف بخش‌های مذکور بی‌شبهت با قید نیست. فصل نهم به نحو مثنوی اختصاص یافته است. در این فصل در هشت گفتار، الگوهای جملات، شرح و توصیف شده‌اند. در گفتار اول جمله با اجزای همجنس مطرح می‌شود. گفتار بعد جمله‌های ناقص را در بر دارد. از مباحث عمده این فصل توصیف مفصل الگوهای صرفی و نحوی جمله‌های مرکب می‌باشد. در فصل دهم و پایانی در دو گفتار به الگوهای زیای واژه‌سازی در مثنوی و ساخت اشتقاقی واژه توجه شده است. این بخش ما را از پرداختن به ساختمان اسم و صفت و سایر کلمات در بخش‌های مربوط بی‌نیاز نموده است.

به هر حال توصیف ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی، گامی مؤثر و قابل توجه در راستای دستور تاریخی و تاریخ زبان فارسی است. در قلمرو همین مطالعات توصیفی است که سبک شاعران و نویسندگان مشخص می‌شود. مثنوی اثری است متعلق به قرن هفتم که با بررسی نظام دستوری آن، مختصات لهجه‌ای و گویشی، سبک‌شناسی و جایگاه آن در زبان فارسی آشکار خواهد شد.

## پیشگفتار

به نام خدا

گر شدی عطشان بحر معنوی

فرجه‌ای کن در جزیرهٔ مثنوی

فرجه‌ای کن چندان که اندر هر نفس

مثنوی را معنوی بینی و بس

مولانا جلال الدین محمد بلخی، آفتاب فرورندهٔ آسمان ادب فارسی و عرفان اسلامی است. ذهن و زبان و روان وی، «عشق نامه» ای آفرید که در میان آثار منظوم عرفانی، همچون گوهری تابان می‌تابد و روز به روز و دم به دم بر ارج و منزلت آن افزوده می‌شود. آفتاب حقیقت حقایقی که از زبان آن بی زبان خاموش و بیریده از نیستان، حکایت شده است، مانند «ماه اندر میان اختران»، جلوه‌گری می‌کند. شاید سالیان سال بگذرد و لعلی همچون مثنوی در برابر آفتاب، «رنگ و تاب و رخشانی» نگیرد. آفتاب مثنوی، غذایش از «نور عرش» است نه چون حسودان و دیوان از «دود فرش»؛ در برابر این آفتاب، «مشرق خورشید»، برج قیرگون است اما این آفتاب از «مشرق‌ها» برون. «شعشاع حضور» این آفتاب را چشم و دل‌های خراب بر نتابند؛ همچون خفاشی که تف خورشید را بر نمی‌تابد. عقل‌های کمتر از زهره و شهاب، این «قرص آفتاب» را در نیابند؛ زهره و عطارد و شهاب کیستند تا در پیش آفتاب، برون آیند.

آری، آنکه در «قرآن حق» می‌گریزد و با روان انبیا در می‌آمیزد و آنگهانی آتش اندر هوس می‌زند، او گواه «صدق قرآن» می‌شود. چرا که قرآن جمله شرح خبث نفس‌هایی است که سهل دیدن آنها «جهل است و جهل»، اگر چه بت شکستن، سهل است و سهل. «مادر بت‌ها»، همچون دوزخی اژدها صفت است که با دریاها نیز «کم و کاست» نمی‌گردد. اگر به دنبال رهایی از این دوزخ نفسی و می‌خواهی جسم خاکی ات را بر افلاک رسانی دواي تو عشق است؛ همان که به «شرح و بیان» در نمی‌آید و با دو عالم، بیگانه است؛ میوهٔ شرح آن را جز از باغ «بی منتها»ی عشق نمی‌توان چید. همان عشقی که «جمله انبیا» از آن «کار و کیا» یافتند.

آتشی از عشق در جان بر فروروز سرب‌به‌سرفکر و عبارت را بسوز

جدای از اینکه مولانا را «ندای متعالی عرفان ایرانی» و «معدن حقایق و سر چشمه فیاض معرفت» دانسته‌اند و مثنوی وی آفتاب معنوی است لاجرم درس و شرح آن نگاه هر خواننده را از معنا به لفظ معطوف می‌کند. واژگان زبان و شیوه تعبیر مولانا با هر شاعر دیگری متفاوت است. سببی برای این نمی‌توان یافت جز مگر احساس و تخیل و بیشه اندیشه‌ای که زبان معهود، تاب مفاهیم معنوی بلند او را نداشته و او با آفرینش ترکیبات بدیع و تازه در دل جمله‌های آسمانی و روح انگیز، روح و لفظ زبان فارسی را طراوتی دیگر بخشید.

عموماً انواع نوشته‌ها را به چند اعتبار طبقه‌بندی می‌نمایند. گونه‌های زبان، قالب، موضوع و طرز بیان از جمله این طبقه‌بندی هاست. مثنوی به عنوان یک نوشته، به اعتبار موضوع، نوع بیان، قالب و گونه زبان بارها و بارها مورد مذاقه و بررسی و تحلیل واقع و از این حیث آثار پر بهایی نیز نگاشته شده است. بسیاری از پژوهش‌های این چنینی، معطوف به موضوع عرفان و قالب داستان و قصه و مطالعات سبک‌شناسی ادبی است. برای شناخت سبک مثنوی، لازم است ابتدا زبان و ساختارهای زبانی آن شناخته شود؛ مضافاً اینکه بعضی از مثنوی پژوهان، آگاهی از معانی لغات و ویژگی‌های صرفی و نحوی آن را از راه‌های ورود به جهان معنی آثار مولانا می‌دانند.

هم زبان شناس و هم پژوهشگر ادبی، سبک را به مطالعه می‌گیرند اما رویکرد این دو متفاوت است. زبان شناس سبک را به هدف تعیین الگوهای کاربرد زبان در گفتار و نوشتار تحلیل می‌کند و هدف وی طبقه‌بندی عناصر زبانی متن است اما سبک‌شناسی ادبی غالباً تحلیل سبک را به هدف تحلیل رابطه فرم و محتوای متن و شناسایی زیباشناسی آن انجام می‌دهد تا برای نقد و تفسیر خود، داده‌های علمی فراهم نماید. (بنگرید به فتوحی، ۱۳۸۸: ۳۴). «رنه ولک» و «وارن»، در کتاب «نظریه ادبیات» می‌نویسند: زبان ادبیات را از دو دیدگاه می‌توان مطالعه نمود. می‌توان از اثر ادبی به عنوان سندی در تاریخ زبان استفاده نمود چنانکه فرانتس، دستورزبان شکسپیر را تمام و کمال نوشت. اما فقط وقتی مطالعه زبان به مطالعه ادبی بدل می‌شود که به مطالعه ادبیات کمک کند و هدف آن بررسی تأثیرات زیبا شناختی زبان باشد. (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۱۹۷).

یکی از حوزه‌ها یا حیطه‌های مطالعاتی علم زبان شناسی، دستورزبان است. عموماً دستور را به دو بخش اصلی صرف و نحو تقسیم می‌کنند اما به طور کامل تر،

دستورزبان، درباره ساخت آوایی و معنایی زبان نیز بحث می‌نماید. پس در مجموع این علم چهار قسمت عمده آواشناسی، صرف و نحو و معناشناسی دارد. عده‌ای دو قسمت آواشناسی و معناشناسی را الحاقی می‌دانند. از آنجا که پرداختن به هر چهار قسمت دستورزبان، حوزه‌ای بسیار وسیع را در بر می‌گیرد لهذا این پژوهش به همان دو بخش اصلی توجه می‌نماید و به آن دو بخش الحاقی، به طور گذرا اشاره‌ای می‌شود. بخش فرایندهای واجی - اگر چه تحت تأثیر مطالعات دستورهای سنتی است - از زمره این اشارات است.

موضوع این رساله، توصیف جامع ساخت دستوری زبان فارسی در مثنوی است. وقتی سخن از توصیف به میان می‌آید منظور تحقیق درباره یک زبان در یک مقطع زمانی معین و یافتن قواعد آن زبان بدون توجه به صورت و ساخت قدیمی آن می‌باشد. به دیگر سخن همان بعد همزمانی زبان است که در راستای آن هر زبانی را در هر برشی از زمان به عنوان یک دستگاه و نظام ارتباطی بررسی می‌کند. توصیف زبان به صورت همزمانی، آن را در برابر زبان‌شناسی تاریخی یا دستور تاریخی قرار می‌دهد که تغییرات و تحولات یک زبان را در دوره‌های گوناگون بررسی گاه علل تغییر و تحول آن را نیز تحلیل می‌نماید.

به طور خلاصه می‌توان گفت: تمامی متون کهنی که به زبان فارسی دری نگاشته شده اگر چه همه به زبان فارسی نگاشته شده‌اند ولی هر یک از آنها متعلق به یک گونه ویژه‌ای از این زبان است. این گونه ویژه زبان در پیرنگ سبک هر شاعر یا نویسنده بی تأثیر نیست. استاد رواقی در مقاله‌ای می‌نویسد که تنها مقایسه چند ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی در نواحی مختلف به خوبی نشان دهنده اختلاف گونه‌های زبان فارسی می‌باشد... زبان مردم بلخ، نیشابور، مرو، سجستان و هرات اگر چه همه فارسی به حساب می‌آید اما مطالعه در زبان آثار نویسندگان و شاعران این مناطق نمایانگر اختلاف‌های آوایی، صرفی، نحوی و واژگانی است. چنانکه مقدسی از قول یکی از شاهان خراسان نقل می‌کند که: پنج مرد از پنج حوزه اصلی خراسان گرد آوردند. هنگامی که در محضر پادشاه به سخن آمدند پادشاه بر اساس لهجه و گونه‌های زبانی آنان قضاوت‌هایی نمود. پادشاه زبان مردم بلخ را سزاوار ترسل دانست. (رواقی، ۱۳۶۳: ۱۵-۱۸)



نوع این پژوهش، **بنیادی کتابخانه‌ای** و روش آن **توصیفی موردی گذشته** نگر می‌باشد. حکایت شکل‌گیری این پژوهش از آغاز تا فرجام به شرح ذیل می‌باشد:

ابتدا این موضوع از جانب یکی از دوستان پیشنهاد شد؛ ایشان این موضوع را پیشنهاد دکتر شفیعی کدکنی می‌دانستند که بارها به دانشجویان جهت موضوع رساله دکتری مطرح شده بود. فرصت را مغتنم شمردم و از نزدیک با «استاد»، دربارهٔ دستور زبان مثنوی گفت و گو نمودم. ایشان پس از نشان دادن صورتی کلی از آن مرا به انجام این تحقیق تشویق نمودند. موضوع را با استادان خود در پژوهشگاه علوم انسانی در میان گذاشتم. راهنمایی‌ها و تشویق و تسهیل‌های استاد ارجمند آقای دکتر رادفر، مرا به کوشش و جوشش در این وادی واداشت. به مدت چندین ماه در کتب و مقالات مربوط به تاریخ زبان، دستورزبان و سبک‌شناسی غور نمودم. سپس اولین دفتر مثنوی را گشودم و به مدت یک سال، چهار دفتر آن را به دقت تمام و با استفاده از شرح‌های مطرح و منابع معتبر به پایان رساندم. در این گشت و گذار در گلستان مثنوی، به نکاتی بر می‌خوردم که مرا به پرسش از استادان یا مطالعه در کتب مربوط به دستور وا می‌داشت. چندین هزار یادداشت، حاصل این اوقات بود که خود را برای تدوین، نگارش و ویرایش آنها حیران و سرگردان می‌یافتم. یادداشت‌ها را بر اساس یافته‌ها، متناسب با هر مقولهٔ دستوری دسته‌بندی نمودم. در این حین از مشق نظری منابع اصلی خود غافل نبودم چنانکه بسیاری از بخش‌ها رنگ و بوی آن آثار را دارد. تاریخ زبان فارسی اثر دکتر خانلری، آثار دکتر معین، آثار دکتر ابوالقاسمی، کتاب‌ها و مقاله‌های مرحوم دکتر فرشیدورد، آثار دستوری دکتر صادقی، آثار استادانی همچون دکتر شفایی، ارژنگ، مشکوه‌الدینی، کلباسی و غیره، همیشه چون چراغی فرا راهم بوده‌اند. ناگفته نماند برای تکمیل توصیف‌های دستوری مجبور شدم دفترهای پنجم و ششم را نیز مطالعه و یادداشت برداری نمایم.

در نهایت، یافته‌های پژوهش در چهار مقولهٔ اساسی فرایندهای واجی، ساخت‌های صرفی، نحوی و واژگانی، در ده بخش شکل گرفت. صورت نهایی فصل‌های این پژوهش به این شرح است:

در «مقدمه و مروری بر ادبیات موضوع»، به طور گذرا مقوله‌هایی همچون زبان تعریف زبان، جایگاه علم زبان‌شناسی، ضرورت دستورزبان، پیشینهٔ دستور نویسی، ارتباط دستور

توصیفی با سبک‌شناسی اشاره شد و به اختصار سخنانی برای شناخت ادبیات موضوع آمده است.

یافته‌های این پژوهش، ده فصل را به خود اختصاص داده است. **فصل اول**، در هشت گفتار به فرایندهای واجی و دگرگونی حروف می‌پردازد. ابدال، حذف، تخفیف و سبک‌سازی، افزایش، قلب و نحت، ادغام از این دگرگونی‌هاست. در انتخاب اصطلاحات این فصل، از آثار و دستورهایی که بر اساس مطالعات امروزی زبان نگاشته شده‌اند بهره گرفته شده است.

در **فصل دوم** مباحث مختلف اسم و گروه اسمی در سیزده گفتار به طور مفصل مطرح شده است. مباحث معرفه و نکره، شمار، نام آواها، نکات و الگوهای نقش‌های اضافی و ندایی، الگوهای گروه‌های اسمی زنجیری، کنایات پرسشی و مبهم از اهم گفتارهای این فصل می‌باشد.

**فصل سوم** به عنوان مکمل فصل اسم، به ضمائر شخصی، مشترک، اشاره، متقابل و اختصاص و کاربردهای نحوی آنها پرداخته شده است.

**فصل چهارم** ده گفتار را شامل می‌شود که از زوایای مختلف، صفت و گروه وصفی در مثنوی بررسی و توصیف شده است. کلیاتی درباره صفت بیانی، احکام وصف و شیوه کاربرد صفت، درجات صفت، صفت و گروه وصفی عددی، مبهم، پرسشی، تعجیبی و اشاره از اهم این فصل است.

در **فصل پنجم** به مباحث مختلف مربوط به فعل و گروه فعلی پرداخته شده است؛ جهت فعل، افعال پی‌بستی، معلوم و مجهول، وجوه و زمان افعال و... از مباحث عمده این فصل است. در گفتارهای مربوط به ساختمان افعال و وجوه فعل از تقسیم بندی‌های دستوره‌های گوناگون استفاده شده است. مبحث افعال بسیط از منظرهای گوناگون به فعل‌های متروک می‌پردازد. قائل شدن به وجوه التزامی - مصدری یا التزامی - شرطی به خاطر این است که این وجوه از حیث علایق معنایی قابل تبدیل به التزامی می‌باشند.

در **فصل ششم** قید و گروه قیدی با توجه به کاربرد، معنا و ساختمان قیود به شیوه‌ای ویژه طبقه‌بندی شده‌اند. ابتدا قید در پنج گفتار به نام‌های قید فعل، قید جمله، قیدهای اشاره‌ای، قیدهای تأکیدی و قیدهای مختص و مشترک تقسیم

شده‌اند سپس هر کدام از این پنج گفتار، از حیث معنایی، دسته‌بندی و آنگاه در ذیل هر کدام، شواهد یافته شده بر اساس ساختمان ارائه شده‌اند. همین روش در فصل‌های مربوط به حروف اضافه و ربط و شبه جمله - که فصل‌های هفتم و هشتم را شامل می‌شود - صورت گرفته است.

**فصل نهم** به جمله و نحو مثنوی اختصاص یافته است. در این فصل در هشت گفتار، الگوهای جمله‌های مثنوی، شرح و توصیف شده‌اند. در گفتار اول جمله با اجزای همجنس مطرح می‌شوند؛ منظور از همجنس، جمله‌هایی است که اجزای اصلی و وابسته آنها نقش تبعی معطوف دارند و معطوف آنها ممکن است مکرر و یا پیاپی باشد. در گفتار بعد به جمله‌های ناقص اشاره می‌شود؛ منظور جمله‌هایی است که به نوعی در اجزای اصلی یا احياناً در اجزای وابسته آنها حذف‌هایی خاص صورت گرفته باشد. این نوع از حذفیات دارای الگوهای مخصوص می‌باشد که با بسامد بالا در مثنوی حضور دارند. از مباحث عمده این فصل، الگوهای صرفی و نحوی جمله‌های مرکب پیوسته و وابسته می‌باشد که به طور مفصل بررسی و توصیف می‌شوند. جمله‌های مرکب پیوسته به: تمثیلی، تقابلی، تفسیری، بدلی، تأکیدی، همجنس و همپایه تقسیم شده‌اند. جمله‌های وابسته از حیث جمله وارهٔ پیرو به: موصولی، بیانی، زمانی، مکانی، شرطی، خلافی، سببی، نتیجه‌ای، مقصدی، مقداری، مقایسه‌ای، نهادی، گزاره‌ای تقسیم می‌شود. توضیح و توصیف حروف ربط، الگوهای نحوی، ترتیب جمله واره‌های وابسته و عناصر غیر مستقل با ذکر بسامد همراه می‌باشد. در گفتارهای پایانی به الگوهایی از جمله پرداخته می‌شود که در علم بلاغت به آنها توازن و ترصیع و تکرار گفته می‌شود. این گفتار با رسم الگوهای گوناگون جمله نشان داده می‌شود که در علم بلاغت فقط به آهنگ پایانی این نوع از جمله توجه و از وحدت ساختار نحوی جمله‌های متوازن، غفلت می‌شود. چون در این نوع جمله‌ها عموماً واژگان دو مصراع مکرر می‌شوند عنوان وحدت ساختاری - واژگانی برای آنها انتخاب شده است. این نوع جمله‌ها در مثنوی بسامد بی شماری دارند. این گونه از توصیف‌ها شاید خود را به سبک‌شناسی ادبی نزدیک کرده باشد. در گفتارهای دیگری از این فصل و فصل‌های دیگر چنین مقوله‌هایی مطرح گردیده که حاصل توصیف ساختار دستوری زبان مثنوی می‌باشد. مبحث نقش‌های همگون در پایان همین فصل از این نوع است.

در **فصل دهم**؛ یعنی فصل پایانی در دو گفتار به الگوهای زایای واژه‌سازی در مثنوی و ساخت اشتقاقی واژه توجه و ساختمان کلمات از حیث مرکب یا مشتق بودن توصیف شده است. این فصل ما را از پرداختن به ساختمان اسم و صفت و... در فصل‌های مربوط بی‌نیاز می‌نماید. اگر در جایی دیگر غیر از این فصل به ساختمان کلمه توجه شده، شیوه طبقه‌بندی همین فصل رعایت شده است.

درباره چگونگی تدوین و نگارش و همچنین محتوای این توصیف‌ها ذکر نکات دیگری ضروری است:

۱. توصیف‌های دستوری با کتب مربوط به علم دستورزبان متفاوت است. در دستورزبان به ویژه دستورهایی که بر پایه نظریه‌های دستوری و زبانشناسی می‌باشند الگوهایی مطرح، آنگاه نمونه‌هایی از زبان معیار، مطابق با آن آورده می‌شود؛ اما در توصیف ساختار دستوری یک اثر، معمولاً ویژگی‌های پربسامد و برجسته یک اثر توصیف می‌شوند و در این بین ممکن است پرداختن به بسیاری از نکات دستوری دیگر ضروری نباشد. به بیان دیگر دستوره‌های توصیفی خود را به سبک‌شناسی نزدیک می‌کنند؛ یعنی اسلوب یک شاعر و یا یک اثر به طور خودکار مطرح می‌گردد و حتی ممکن است نکاتی بیان شود که در کتب دستورزبان به آن توجهی نشده است. این آغاز سبک‌شناسی و یا لاقلاً آماده نمودن داده‌ها برای بیان سبک زبانی صاحب اثر می‌باشد. لازم به تأکید هست که در این اثر علاوه بر اینکه از هیچ نکته دستوری ناگفته نمانده بلکه نکته‌هایی نو نیز ارائه شده است.

۲. چنانکه از عنوان پژوهش بر می‌آید زمینه این تحقیق، زبان فارسی در قرن هفتم بر اساس مثنوی است و توصیفاتی که مطرح می‌شود بر اساس آن کتاب می‌باشد و در جایی که بر اساس بسامدها به اسلوب مثنوی اشاره می‌شود به این معنا نیست که سایرین یا در زبان دوره‌های دیگر چنین ویژگی‌هایی وجود ندارد. با این همه، باید گفت همه نکاتی که در کتب دستورزبان مطرح می‌شوند در این اثر عملاً مطرح و به کار گرفته شده‌اند و از این حیث این پژوهش می‌تواند یک منبع برای درس دستور تاریخی زبان فارسی یا حتی به عنوان درس دستور ۱ و ۲ در دانشگاه برای رشته‌های زبان و ادبیات فارسی مورد استفاده قرار گیرد زیرا از هیچ نکته مربوط به دستورزبان غافل نبوده است.

۳. حجم عظیم مثنوی و شروح مربوط به آن - که از شمار زمینه‌های تحقیقی بزرگ macro context محسوب می‌شود- از یک سو و دایره وسیع قواعد و نکات دستوری با

تمام اختلاف نظرها و نظرگاه‌های گوناگون و نگرش دستوره‌های سنتی و جدید از سوی دیگر، از جمله موانع و چالش‌هایی بوده که نگارنده از آغاز تا پایان این پژوهش با آن درگیر بوده است؛ ضرورت‌های شعری خود عاملی دیگر بوده که کمتر به آن توجه شده است. به این معنا که سعی شده است ضرورت‌های شعری در بیان نکات دستوری کمتر دخیل باشد.

۴. یکی دیگر از این موانع، وجود اصطلاحات و تقسیم‌بندی‌های گوناگون از یک مقوله است که تا حد امکان داشته سعی گردیده است هماهنگی و یکسانی اصطلاحات و مباحث شکل گیرد. این امر گاه سبب شده که معادل‌های دیگر یا در داخل پراکنش آورده شود و یا اینکه در پاورقی توضیح داده شوند. یکی از دلایل انتخاب پانویس به جای پی‌نوشت، همین عامل بوده است؛ اگر چه توضیح واژه‌ها و اصطلاحات و ذکر شواهد از سایر آثار از عوامل دیگر بوده است. ناگفته نماند که وجود پانویس و توضیح اصطلاحات - در اولین جایی که به کار گرفته می‌شوند - این رساله را از آوردن واژه نامه بی‌نیاز ساخته است. اگر چه داشتن واژه نامه بر حسن کار می‌افزاید. همین توضیحات سبب گردیده که عملاً کتاب‌های دستوری از حیث مقوله‌ها با هم مقایسه شوند.

۵. سعی بر آن بوده که نمونه‌ها و شواهد از میان شش دفتر انتخاب شوند؛ البته ترتیب آنها بر اساس اهمیت نمونه بوده نه نظم و ترتیب ابیات و یا دفترهای ششگانه. در ضمن از آوردن ابیاتی که موقوف‌المعانی و یا جنبه روایتی داشته‌اند پرهیز نموده‌ام.

۶. چنانکه اشاره شد حجم عظیم مثنوی از یک سو و تفصیل مباحث دستور از سوی دیگر، جدای از انبوه یادداشت‌ها، سبب شد که تدوین و طبقه‌بندی مطالب با دشواری مخصوصی روبرو شود. چگونگی تنظیم مطالب و همچنین چگونگی ویرایش و نگارش برای یافتن شکلی قابل قبول بارها تغییر یافت. زیرفصل‌های عنوان اصلی نیز با قلمی ریز تر در وسط صفحه نگاشته شد. در جایی که زیر مجموعه‌های اخیر نیاز به دسته‌بندی و زیرفصل داشته‌اند عنوان‌ها آنها در آغاز سطر با قلم برجسته نشان داده شده است و چنانچه شواهد و نمونه‌های زیر مجموعه‌های سوم؛ یعنی زیر فصل زیر فصل‌ها هم نیاز به طبقه‌بندی داشته است با قلمی ریزتر و اندکی تورفتگی از آغاز سطر، این کار انجام پذیرفته و برای کمال کار از روش تنظیم عددی که اعداد اصلی و فرعی پشت سر هم قرار می‌گیرند استفاده شده است. خلاصه اینکه علاوه بر شیوه تنظیم عددی - که اعداد به هم متصل می‌شوند - اعداد و عنوان‌ها را نیز ریز و درشت نموده‌ام. شواهد و نمونه‌ها را نیز با پررنگ کردن به صورت برجسته نشان داده‌ام.

۷. توجه به رسم الخط فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای حفظ هویت زبان فارسی همواره مد نظر بوده است. در ویرایش ارجاعات اگر از چندین نویسنده استفاده شده است به خاطر اینکه خواننده سرگردان نشود در ارجاعات درون متنی از واژه «همان» استفاده نشده و تاریخ نشر اثر و شماره صفحه در تمام ارجاعات قید گردیده است. اما اگر از یک نویسنده فقط یک اثر ذکر شده در ارجاعات بعدی از «همان» استفاده شده است. البته در اولین ارجاع چنانچه ارجاع به صورت درون متنی نبوده است در پانویس مشخصات کامل مأخذ ذکر شده است.

۸. با اینکه این پژوهش صفحات زیادی به خود اختصاص داده ولی بیان نکات، بنا بر اختصار و ایجاز بوده است. عامل حجم بسیار آن ذکر شواهد گوناگون برای هر نکته می‌باشد اگر چه در موارد بسیاری، فقط به ذکر شماره ابیات و دفتر بسنده شده است. ۹. مبنای کار، «شرح جامع مثنوی» اثر کریم زمانی بوده است. زیرا هم شروح مختلف را در بر داشته و هم نسخه اساس او نسخه تصحیح شده توسط نیکلسون بوده است. البته از نرم افزار مثنوی معنوی تهیه شده توسط مرکز تحقیقات علوم اسلامی، نیز به خاطر قابلیت جست و جوهای، متنوع استفاده کرده ام.

اینک که پس از چند سال کوشش و جوشش، طرح توصیف جامع ساختار دستوری زبان فارسی در مثنوی صورت می‌پذیرد جا دارد که پس از سپاس از خداوند منان و درود بر انبیا و اولیا به ویژه رحمه للعالمین محمد مصطفی(ص) و خاندان او و نیز روح بزرگ مولانا جلال الدین، از بزرگان، استادان و دوستانی سپاسگزاری نمایم که بدون اهتمام و سعی و صبر ایشان این دستاورد اندک تحقق نمی‌پذیرفت: نخست استاد گرانقدر آقای دکتر ابوالقاسم رادفر، که با تشویق و تسهیل، پیمودن این طریق بلند را برای این مشتاق کوتاه تر و آسانتر نمودند. هیچ سپاسی جبران خدمات‌های صادقانه و زحمتهای صمیمانه وی را نخواهد کرد. دوم حضرت استاد دکتر محسن ابوالقاسمی که سخنان موجز و راهنمایی‌های گزیده ایشان برایم راهگشا و همچون سندی محکم و استوار بوده است. جایگاه این استاد در این پژوهش جانشین ناپذیر بود. سه دیگر استاد ذوفنون و اندیشمند آقای دکتر تقی پورنامداریان که در همه حال با فروتنی و تأنی به پرسش‌های بنده پاسخی عالمانه و قانع کننده داده‌اند و بسیاری از مبهمات زبان و ادبیات فارسی را برایم روشن نموده‌اند. چهارم نقش ارزنده استاد گرانمایه و بزرگوار آقای دکتر علی اشرف صادقی در شکل گیری و انسجام این رساله بی بدیل بود. از این که بسیاری از اوقات

ارزنده‌ی خویش را در فرهنگستان زبان و ادب فارسی برای پاسخ به پرسش‌های شفاهی و تلفنی این جانب اختصاص دادند مرا مرهون منت و ممنون محبت خویش نمودند. از استاد ارجمند آقای دکتر عباسعلی وفایی، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی و استاد گرامی خانم دکتر فرانک جهانگرد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به جهت اینکه این رساله را مطالعه فرموده و با نظر نیک و منتقدانه‌ی خویش باعث صلاح و اصلاح این پژوهش شده‌اند قدردانی و تشکر می‌کنم. پاس زحمات همسر من که همواره حامی و مشوقی مشفق بوده است و نقش وی در تمهید و تکمیل این دفتر و آراستن و پیراستن زندگی ام جانشین ناپذیر است تشکر و سپاسی جداگانه می‌طلبم.

قدردانی و سپاس از زحمات عزیزان دیگری نیز لازم و بجاست: دکتر مهدی احمدی، عضو هیئت علمی انتشارات سمت به خاطر راهنمایی‌های ایشان در زمینه‌ی زبان‌شناسی، دیگر دکتر حمید رضا توکلی، استاد دانشگاه سمنان که نقش ایشان در پیشنهاد این موضوع انکار ناپذیر است. خانم زهرا افصحی، دبیر محترم زبان و ادبیات فارسی که در اصلاح نقائص، سختی‌هایی را به دیده‌ی رضا و محبت پذیرفتند. بعد از همه دست‌اندرکاران انتشارات آوای نور که در چاپ و انتشار این اثر متحمل زحماتی شدند به خصوص خانم منیرالسادات حسینی که در صفحه‌آرایی این کتاب همت گماشتند و صبورانه و کریمانه در اصلاح و زینت متن کوشیدند قدردانی می‌نمایم.

سپاس من برای همه‌ی اینان و همراهان ناشناخته و عزیزان دیگری که نتوانستم نامی از آنها ببرم، به سابقه‌ی منتهی که بر من دارند، از درگاه خداوند کریم پاداشی کریمانه می‌طلبم. در این اثر به علت گستردگی مطالب از سویی و موضوع پژوهش از سوی دیگر، به یقین کاستی‌ها و لغزش‌های کثیری وجود خواهد داشت امید که خوانندگان صاحب فن به دیده‌ی اغماض ننگردند و نگارنده را در اصلاح خطاها یاری دهند.

دست ما گیر و در آن مجلس کشان کز حقیقت می‌چشند این سرخوشان  
چون به ما بویی رسانیدی ازین سر میند این مشک رای ربّ دین

والحمد لله وحده و صلی الله علی محمد و عترته

محمد پاک نهاد

